

در سحر باید ۴ شرط موجود باشد:

(الف) سببیت بین عمل و نتیجه، عقلایی نباشد.

(ب) فاعل عمل، مدعی کاری عجیب باشد.

(ج) فاعل عمل مدعی استفاده از طرق شرعی نباشد.

(د) تصرف در عالم عین یا حواس باطنه باشد.

ولی اینکه: یک) معلول کاری عجیب (تبدیل شدن کاغذ به اسکناس) باشد یا کاری غیر عجیب (روشن شدن چراغ) باشد.

دو) علت کاری عجیب (اوراد و اذکار نامفهوم) باشد یا کاری غیر عجیب (سخنان مفهومی)

سه) با استعانت از چیزهایی باشد یا بدون استعانت دخالتی در سحر بودن ندارد، اگرچه معمولاً علت، کاری عجیب است و همراه با اعمال غیر عادی است.

به همین جهت، با بالارفتن دانش بشر، سببیت یک سری از امور، از غیر عقلایی بودن، خارج می شود و لذا ممکن است چیزهایی که در گذشته سحر بوده است، امروزه سحر نباشد [اگرچه اگر بخواهیم دقیق سخن بگوئیم، باید گفت آنچه در گذشت «سحر پنداشته می شده» معلوم می شود که سحر نبوده است]

۲. اگر گفتیم سحر واقعیت ندارد، ماهیت معجزه و کرامت با سحر متفاوت می شود چراکه در آن دو، واقعیت دست خوش تغییر می شود در حالیکه در سحر صرفاً یک امر خیالی (تصرف در حسن باطن) حاصل است.

ولی اگر گفتیم فی الجمله سحر واقعیت دارد، در این صورت فارق اصلی همان است که سابقاً اشاره کردیم و آن توجه به ادعای ایشان است اگر ادعای فرد، توجه به خدا و ارزش هاست و به جانب خدا دعوت می شود و سخنان او با نظام های ارزشی سازگار است، معجزه و کرامت است ولی اگر دعوت به نفس است و دعوت به سوی خود است، سحر است.

۳. اقسام سحر نیز با این حساب چنین می شود:



۴. هر یک از این اقسام، ممکن است به وسیله دارویی یا آلتی یا با کمک از چیزی واقع شود و ممکن است صرفاً با قدرت روحی ساحر انجام پذیرد و ممکن است با تکنیک هایی (نظیر آنچه در تعلیق قلب گفته شد) تحقق یابد.

ظاهراً فروض (۱) و (۲) حقیقت ندارد

فرض (۴) اگرچه نحو آن معلوم نیست - ظاهراً واقع است.

فرض (۳) و (۵) را نمی توان گفت حقیقت دارند یا نه.

فرض (۶) واقع است.

فرض (۷) و (۸) هم واقع است.